

د - در بیان مجازاتهای منصوبه¹

در کتاب اقدس است قوله جلّ و عزّ: إِيَّاكُمْ أَنْ تَأْخُذَكُمْ الرَّأْفَةُ فِي دِينِ اللَّهِ اعْلَمُوا اما أمرتُمْ به مِنْ لَدُنْ مَشْفِقٍ رَحِيمٍ إِنَّا رَبُّنَا كُمْ بِسِيَاطِ الْحِكْمَةِ وَالْأَحْكَامِ حَفْظًا لِنَفْسِكُمْ وَارْتِفَاعًا لِمَقَامَاتِكُمْ كَمَا يُرَبِّي الْآبَاءُ أَبْنَاءَهُمْ لَعَمْرِي لَوْ تَعْرِفُونَ مَا أَرْدْنَاهُ لَكُمْ مِنْ أَوْامِرِنَا لِمَقْدَسَةٍ لَتَفْدُونَ أرواحكم لهذا الامر المقدس العزيز المنيع .

و در لوح اشراقات است قوله الاعلى: اشراق سیم اجراء حدود است چه که سبب اول است از برای حیات عالم ، آسمان حکمت الهی به دو نیر روشن و منیر مشورت و شفقت و خیمه نظم عالم به دو ستون برپا مجازات و مکافات .

و از حضرت عبدالجبار در مفاوضات است قوله العزيز: هیئت اجتماعیّه حق قصاص را از مجرم دارند و این قصاص بجهت ردع و منع است تا شخص دیگر متجاسر بر آن جرم نشود و این قصاص مدافعه از حقوق بشر است ... اگر مجرمین بکلی معاف باشند نظم عالم بهم خورد لهذا قصاص از لوازم ضروریّه هیئت اجتماعیّه است ولی شخص مظلوم متعدّی علیه حق انتقام ندارد بلکه عفو و سماح لازم و این سزاوار عالم انسان است اما هیئت اجتماعیّه باید ظالم و قاتل و ضارب را قصاص نماید تا ردع و منع حاصل گردد که دیگران متجاسر بجرم نشوند ولی اصل این است که باید نفوس را چنان تربیت نمود که جرم واقع نگردد ... اما هیئت اجتماعیّه حق محافظه و حق مدافعه دارد زیرا هیئت اجتماعیّه بغضی ندارد عداوتی به قاتل ندارد اما مجرّد بجهت حفظ دیگران قاتل را حبس کند یا قصاص نماید که دیگران محفوظ مانند نه مقصد انتقام از اوست مقصود قصاص است که بآن قصاص هیئت اجتماعیّه محفوظ ماند و الا وارث مقتول عفو کند و هیئت اجتماعیّه عفو نماید و از دو جهت بالعکس معامله شود نفوس ستمکار متّصل تعدّی کنند و در هر آنی قتلی واقع گردد بلکه نفوسی درنده مانند گرگ اغنام الهی را محو نمایند هیئت اجتماعیّه نیت بد در قصاص ندارد غرض ندارد تشقّی صدر نخواهد بلکه مقصدش از قصاص محافظه دیگران است که دیگری مرتکب این امر قبیح نشود ... باری قوام هیئت اجتماعیّه بعدل است نه عفو ... یک چیز دیگر باقی ماند و آن این است که هیئت اجتماعیّه همواره شب و روز بترتیب قوانین مجازات و تهیّه و تدارک آلات و ادوات قصاص پردازند

¹ خداوند بود با عقل بنده اندر اعمال صواب و کتاب و سنت .

زندان مهیا کنند و کند و زنجیر تدارک نمایند و محلّ نفی و سرگون و زجر و مشقّت گوناگون ترتیب دهند تا باین وسائط اصحاب جرم را تربیت نمایند و حال آنکه این وسائط سبب تضييع اخلاق گردد و تبدیل احوال بلکه هیئت اجتماعیّه باید شب و روز بکوشد و منتهای همّت را بگمارد که نفوس تربیت شوند و روز بروز ترقّی کنند و در علوم و معارف توسّع یابند و کسب فضائل نمایند و تحصیل آداب کنند و از درندگی اجتناب نمایند تا جرم واقع نشود و حال بالعکس هیئت اجتماعیّه همیشه در فکر آنند که قوانین مجازات را محکم نمایند و اسباب قصاص مهیا سازند آلات قتل و جرح و محلّ حبس و نفی تدارک کنند منتظر و قوع جرم شوند این بسیار سوء تأثیر نماید اما اگر در تربیت عموم کوشد تا روز بروز معارف و علوم زیاد شود ادراکات تزیاید نماید احساسات ترقّی کند اخلاق تعدیل شود عادات تحسین گردد خلاصه در جمیع مراتب کمالات ترقّی حاصل گردد وقوع جرم کم شود ... پس هیئت اجتماعیّه باید در فکر این باشد که جرم واقع نشود نه در فکر این باشد که اجرام را باید مجازات شدید نمود و قصاص صارم مجری داشت .

و قوله الجمیل : اَمَّا الْهَيِّونَ بِرَأْسِهِمْ أَنَّهُمْ حَسَنٌ وَ قَبِيحٌ أَشْيَاءٌ مَعْقُولٌ است و مشروع بناءً علیه ممنوعیت قتل و سرقت و خیانت و کذب و نفاق و ظلم معقول است هر عقلی این را ادراک میکنند که قتل ، سرقت ، خیانت ، کذب ، نفاق ، ظلم کل قبیح و مذوم است ... و چون ارتکاب نماید موأخذ است خواه صییت نبوت باو برسد خواه نرسد .